

تجسم سخت کوشی در هنر!

● استاد از خودتان بگویید؟

○ من متولد یازدهم آبان ۱۳۳۵ در سنندج هستم. از بین سه فرزند خانواده فرزند دوم بودم. متولد و بزرگ‌شده محله «جورآباد» سنندج هستم. در آن زمان بچه‌های فقیر، غنی و متوسط از لحاظ مالی با هم درس می‌خواندند. این موضوع نقطه قوت آموزش و پرورش زمان ما بود. اتفاق دیگری هم که می‌افتاد این بود که مدرسه به بچه‌های قشر فقیر، هر سال یک دست کت و شلوار می‌داد. این کار خوبی بود؛ اما نکته منفی آن یک‌رنگ بودن همه کت و شلوارها بود. بنابراین در همه جای شهر آن بچه شناسایی می‌شدند و مردم می‌فهمیدند که فلان بچه از قشر فقیر است.

گفت و گو با

استاد هادی ضیاءالدینی
طراح، نقاش و مجسمه‌ساز

گفت و گو: سردبیر



اشاره

شنیدن نام استاد هادی ضیاءالدینی برای اهالی هنرهای تجسمی و مجسمه‌سازی تداعی نیم‌قرن تلاش و پشتکار برای هنرآفرینی است. اینکه استمرار در کار هنری با هنرمند همزاد شده باشد، اتفاق نادر و بسیار مهمی است. استاد ضیاءالدینی در سال ۱۳۹۸ نمایشگاهی از آثار نقاشی،

طراحی و مجسمه و تندیس خود را در فرهنگستان

هنر (مؤسسه صبا) برگزار کرد. وسعت

زیاد و خیره‌کننده نمایشگاه حاکی

از آن بود که این استاد هنرمند

لحظه‌ای از عمر گرانقدر خود را

بی‌حاصل سپری نکرده است.

نمایش بیش از ۴۰۰ اثر هنری

بزرگ و متوسط و کوچک

پیامی مستقیم و غیرمستقیم

برای اهل هنر و به‌ویژه

دبیران هنر داشت و آن کار

و کار و کار بود.

در سفر به سنندج دیدار

کوتاهی با این

استاد گرامی دست

داد که حاصل آن

گفت و گوی کوتاهی

با ایشان بود که شما

را به مطالعه متن آن

دعوت می‌کنیم.



با اینکه آن زمان زنان باسواد کم بودند اما مادر من تحصیل کرده بود؛ هر چند تا مقاطع پایین. با این حال با زبان فرانسه حدوداً آشنایی داشت. پدرم جمیل ضیاءالدینی در آموزش و پرورش بودند و فرهنگی به حساب می‌آمدند. خودشان و چندین نسل قبلشان از شعرای کرد بودند. پدرم انسان عارف مسلک و متواضعی بود.

● شاعر مسلکی پدر و سطح سواد مادر در شما چه اثری گذاشت؟

○ قطعاً چنین انسان‌هایی نظیر مادر و پدر من، می‌دانند چگونه بچه‌شان را تربیت کنند تا آینده خوبی داشته باشد.

● استاد، درباره اهمیت طراحی بگوئید

○ اول بگویم که تأکید اهمیت طراحی، به خاطر خوب کشیدن محیط و یا سوژه نیست. طراحی دو حسن دارد. یکی اینکه انجام دادن آن زمان بر نیست. دوم اینکه فاصله بین خود طراحی و موضوع طراحی شده از هم خیلی کم است. بنابراین تمرینات زیاد و مکرر چشم انسان را تربیت می‌کند. در کل چشم طراح هنرهای تجسمی به لحاظ نگاه و زاویه دید باید چشم متفاوتی باشد. طراحی و تمرین هر چه بیشتر آن باعث این تفاوت می‌شود.

مزیت زیبایی‌شناختی اجزای مجسمه‌سازی، قدرت، حس کار، شناخت آناتومی و ... است. اگر هنرجو قبل از ورود به مجسمه‌سازی بر هنر طراحی تسلط داشته باشد، در مجسمه‌سازی پیشرفت شگرفی خواهد کرد. مثلاً اگر کسی طراحی و نقاشی را کار کند و بعد وارد هنر مجسمه‌سازی شود گویی ۵۰ درصد آن مسیر را طی کرده است.

۲۵ سال پیش یکی از شاگردان من در فرانسه در رشته انیمیشن جایزه گرفت. می‌گفت دلیل موفقیت او این بود که طراحی‌اش خیلی خوب بود.

● برای موفقیت در طراحی چه باید کرد؟

○ باید آن قدر کار کنید تا خسته شوید؛ حتی برای اینکه خستگی‌تان در بیاید هم دوباره کار کنید.



● توصیه شما به دبیران هنر چیست؟

○ مهم‌ترین ویژگی داشتن تعهد است. اگر افرادی پیدا شوند که دارای تعهد و وطن‌پرستی باشند به آن‌ها توصیه می‌کنم که برنامه‌ریزی کنند و برنامه‌های شخصی‌شان را نسبت به تدریس هنر داشته باشند. با این کار نوآوری و پیشرفت حاصل می‌شود. معلمان باید تفاوت هر شاگرد با شاگرد دیگر را در آموزش در نظر بگیرند. درک و فهم دبیر هنر نسبت به مسئولیتی که

دارد و تأثیری که روی دیگر انسان‌ها می‌گذارد، بسیار مهم است.

● دوره‌های هنری‌ای که خودتان گذرانده‌اید را چگونه توصیف می‌کنید؟

○ ویژگی‌های خاصی در دوره کاری من نبود. ولی من یک فرقی با خیلی از عزیزان همکارم دارم. تغییر در کار برای من از روی تصمیم‌گیری نیست. به‌صورت طبیعی و ذاتی جلو می‌روم. مود زمان برای من اهمیتی ندارد. روال هنر من آن بوده که خودم زیاد کار می‌کردم و اگر قسمت بوده که به خدمت کسی برسم سعی کردم از او یاد بگیرم.

● منابع الهام شما چه بوده است؟

○ من از بچگی به‌صورت ناخودآگاه نسبت به محیط خود و اتفاقاتی که می‌افتاد واکنش نشان می‌دادم. من در بچگی، در محله خودمان، دوستانم و اتفاقاتی را که می‌افتاد یا می‌شنیدم به تصویر در می‌آوردم. این نوع نگاه من الان هم ادامه دارد. به خاطر کار هنری هیچ تفاوتی بین خودم و دیگران حس نمی‌کنم. نه برتری و نه تکبر. در نتیجه کنار مردم هستم. یکی از منابع الهام من همزیستی با مردم و شرایط اجتماعی و سیاسی کشور و ... است.

● ما آثار و تندیس‌های بسیار

زیبایی از شما می‌بینیم. مراحل طراحی ایده تا به نتیجه رسیدن آن چیست؟

○ ابتدا به واسطه اتفاقات اطراف محتوا و موضوع مشخصی به ذهن خطور می‌کند. البته این را هر کسی می‌تواند بگوید. اما وظیفه هنرمند آن است که موضوع را تجسم و تبدیل به یک فضای زیبایی‌شناختی بکند. این سخت‌ترین مرحله کار هنری است که به آن ایماژ می‌گویند.

کیفیت این مرحله است که درجه و ارزش هنری و استعداد هنرمند را تعیین می‌کند.

● هر چند زمان گفت‌وگو به

خاطر کمبود وقت شما محدود بود

اما امیدوارم در فرصت‌های آتی

گفت‌وگوی مفصل‌تری داشته باشیم.